

دکتر منصور وفائی

وکیل پایه یک دادگستری

تحلیلی بر دادگاه‌های فدرال و ایالات آمریکا بویژه دیوان عالی کشور و صلاحیت‌های آن و نقدی بر نقش حزب، سیاست، ایدئولوژی و افکار عمومی در دادرسی در آمریکا

سیستم حقوقی کشور ایالات متحده آمریکا کامن‌لا (Common Law) می‌باشد. کامن‌لا در آمریکا و انگلستان به یک نحو نیست و بین این دو خانواده حقوقی مشابهت‌ها و اختلافاتی وجود دارد که مهمترین نکته افتراق فیمابین همانا در فدرال بودن حکومت آمریکاست بدین معنی که دو نوع دادگاه فدرال و ایالت در این کشور مستقر می‌باشند که در واقع از فدرالیسم نشأت می‌گیرد.

در این گفتار سعی بر آنست ابتداء دادگاه‌های فدرال «بویژه دیوان عالی کشور که خود نیز یک دادگاه فدرال است» و دادگاه‌های ایالت در آمریکا و صلاحیت آنها مورد بررسی قرار گیرد و سپس طرز کار عملی و تداخل صلاحیت‌های بین این دو دادگاه و تلاش اصحاب دعوی برای استفاده از دوگانگی (دادگاه‌های فدرال و ایالات) و توسل به ترندهای مختلف جهت توفیق در دعوی بویژه نقش احزاب، سیاست و ایدئولوژی در دستگاه قضائی ایالات متحده آمریکا بعمل آید.

دادگاه‌های فدرال

طبق بند ۱ اصل سوم قانون اساسی آمریکا قوه قضائیه مشتمل است بر یک دیوان عالی و یک رشته دادگاه‌های پایین که کنگره می‌تواند هر از چندگاه تصمیماتی در باب آن

اتخاذ کند و دادگاه‌های دیگری تأسیس نماید. در بند دوم اصل مزبور قید شده است که قوه قضائیه صلاحیت رسیدگی به تمام دعاوی و انصاف،... را دارد. نظر تدوین‌کنندگان قانون اساسی بر ذکر یک دیوان عالی و دادگاه‌های پایین همانا دیوان عالی کشور آمریکا «The United States Court Supreme» که خود یک دادگاه فدرال است و دیگر دادگاه‌های فدرال بوده است. در خصوص دادگاه‌ها و دادرسی در ایالات در اصل چهارم قانون اساسی آمده است که متعاقباً بحث خواهد شد.

قبل از آنکه دادگاه‌های فدرال آمریکا را بررسی کنیم لازمست اشارتی مختصر به صلاحیت آنها شود.

براساس بند ۲ اصل سوم قانون اساسی آمریکا موضوعات ذیل در صلاحیت دادگاه‌های فدرال می‌باشند:

- ۱- قانون اساسی - قوانین فدرال و عهدنامه‌ها
- ۲- سفرا - وزراء مختار و کنسولها
- ۳- موضوعات دریائی
- ۴- ایالات متحده به عنوان یک طرف دعوی
- ۵- اختلافات فی‌مابین ایالات - یک ایالت و تبعه ایالت دیگر - شهروندان ایالات مختلف.
- ۶- اختلافات ما بین یک ایالت و یا شهروندان ایالت با کشورهای خارجی و یا اتباع و شهروندان آن.

دادرسی اصلی و دادرسی تجدید نظری دیوان عالی کشور آمریکا (دیوان عالی فدرال) «Original and Appellate Jurisdiction»

الف) دادرسی اصلی «Original Jurisdiction»

بند ۲ اصل سوم قانون اساسی آمریکا متذکر است که دیوان عالی کشور (فدرال)

دارای صلاحیت اصلی در موارد ذیل است:

- ۱- سفرا
- ۲- وزراء مختار و کنسول‌ها
- ۳- در مواردی که یک طرف دعوی یکی از ایالات آمریکا باشد.

ب) دادرسی تجدید نظری «Appellate Jurisdiction»

در بند ۲ اصل سوم قانون اساسی مذکور است که دیوان عالی کشور در بقیه موضوعات (غیراصلی) واجد صلاحیت تجدیدنظری است. اصل فوق حاوی نکته دیگری است که این اصل استثنائی نامیده می‌شود «Exeptions Clause» و به موجب آن به کنگره اختیار می‌دهد که می‌تواند صلاحیت‌های تجدیدنظری دیوان عالی کشور را مشخص کند و سامان بدهد. نظر تدوین کنندگان قانون اساسی بر محدود کردن صلاحیت‌های تجدیدنظری دادگاه‌های فدرال آمریکا بوده است. البته کنگره از این اختیارات به ندرت استفاده کرده است.

اصل برتری «The Supremacy Clause»

اصل چهارم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا اعلام می‌دارد:

- قانون اساسی ایالات متحده آمریکا

- کلیه قوانین فدرال

- معاهدات

- قانون عالی بوده و تفوق دارد بر قوانین ایالات و قضات ایالات باید آنرا در

مواقعی که قابل اجرا می‌باشد بکار ببرند.

- در واقع Supremacy Clause که از دادگاه‌های آمریکا طلب می‌کند دعاوی

فدرال را امضاء و اجرا نمایند مبین آنستکه می‌خواهد دادگاه‌های ایالات را بخشی

از سیستم حقوقی فدرال قلمداد کند. همچنین به موجب اصل فوق به دیوان عالی

کشور صلاحیت داده است که می‌تواند قوانین ایالت را مغایر قانون اساسی اعلام

بدارد.

براساس اصل مزبور به منظور تفسیر متحدالشکل قانون ملی به دیوان عالی کشور صلاحیت تجدیدنظری بر تصمیمات دادگاه‌های ایالات در ارتباط با قوانین فدرال، معاهدات آمریکا و قانون اساسی ایالات متحده تفویض شده است. در خصوص دیوان عالی متعاقباً به تفصیل بحث خواهد شد.

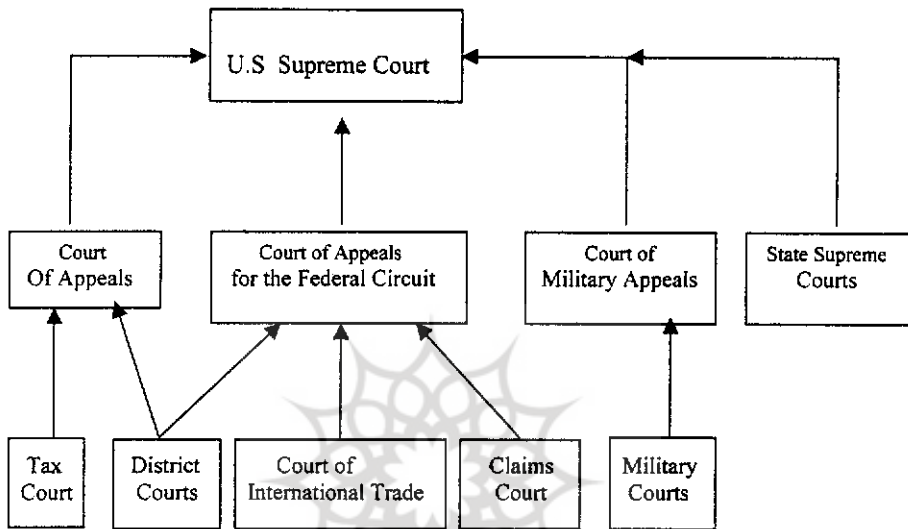
در تصویر زیر دادگاه‌های فدرال از صدر تا ذیل تبیین شده که می‌تواند چگونگی قرار گرفتن این دادگاه‌ها و سلسله مراتب آن را از دادگاه عالی تا پایین روشن نماید. دیوان عالی کشور آمریکا United States Supreme Court به عنوان عالیترین دادگاه تجدید نظر در رأس قرار گرفته و در وسط دادگاه‌های تجدیدنظر میان مرحله‌ای فدرال و در ذیل تصویر دادگاه‌های مختلف بدوی فدرال مشاهده می‌گردد. مهمترین دادگاه فدرال دعاوی عمومی دادگاه‌های ناحیه‌ای (District Courts) و مهمترین دادگاه‌های تجدیدنظر میان مرحله‌ای دادگاه‌های تجدیدنظر فدرال (Circuit Courts) نام دارند. در تصویر دیوان عالی ایالت (State Supreme Court) دیده می‌شود که در واقع در عداد سیستم دادگاه‌های فدرال نمی‌باشد ولی تجدیدنظر خواهی نهایی از آراء دادگاه‌های عالی ایالات به دیوان عالی کشور (U.S Supreme Court) ارجاع می‌گردد.

ممکن است تصور شود که دادگاه‌های فدرال بخشی از حکومت ایالات متحده (فدرال) بوده و باید در واشنگتن، پایتخت قرار گرفته باشند ولی اینچنین نیست و اکثریت این دادگاه‌ها در سراسر خاک آمریکا پراکنده‌اند. حداقل در هر ایالات یک دادگاه ناحیه‌ای فدرال (District Court) و در ایالات پرجمعیت دو یا چند دادگاه از این نوع وجود دارد.

یک دادگاه تجدید نظر فدرال در یکی از دوازده منطقه بنام (Circuit) واقع شده است. بنابراین علی‌رغم نام فدرال اکثریت دادگاه‌های پایین و تجدیدنظر فدرال در یک ناحیه و منطقه قرار دارند بنحوی که دعاوی مرتبط با این دادگاه‌ها حتی الامکان در محلی که دعوی آغاز شده است یعنی ناحیه و منطقه مشخص جریان یابد. به طور کلی سیزده دادگاه تجدیدنظر فدرال در آمریکا وجود دارد که ابتداء دادگاه‌های ناحیه‌ای را بررسی می‌نماییم و متعاقباً دادگاه‌های تجدیدنظر فدرال بویژه دیوان عالی کشور آمریکا و نقش بزرگ آن در مسیر تحولات تاریخ این کشور را تجزیه و تحلیل خواهیم کرد.

تصویر سیستم دادگاه‌های فدرال

The Federal Court System



الف) دادگاه‌های فدرال ناحیه‌ای District Courts

تعداد معتابهی از دعاوی فدرال ابتدا در دادگاه‌های فدرال ناحیه مطرح می‌گردند. در سال ۱۹۹۵ دادگاه فدرال ناحیه‌ای با ۶۳۶ قاضی در آمریکا وجود داشته است. اغلب ایالات شرقی و جنوبی با اضافه کالیفرنیا و ایالت واشنگتن به بیش از ۲ ناحیه قضائی فدرال منقسم شده‌اند.

کالیفرنیا، نیویورک و تگزاس هرکدام ۱ ناحیه قضائی فدرال را دارا هستند. بیشترین نواحی چندین قاضی دارند ولی در شهرهای بزرگ مانند نیویورک و کالیفرنیا به طور تقریب هرکدام دارای ۳۰ قاضی می‌باشند. هر یک از قضات سرپرستی و مسؤولیت رسیدگی به دعاوی مربوط به خود را عهده دارند.

تعداد دادگاه‌های ناحیه‌ای مدتها بدون تغییر مانده بود ولی از دهه‌های اخیر کنگره با تجویز اصل سوم قانون اساسی قضات این دادگاه را افزایش داده است. در ۱۹۹۵ کنگره تعداد ۶۵ قاضی به این دادگاه‌ها اضافه نمود و قبل از آن نیز در زمان کارتر و ریگان

(۱۹۵۴-۱۹۷۸) در حدود ۷۰ قاضی جدید افزایش داده شده بود. افزودن قضات با این حجم به علت کثرت جمعیت و بالا رفتن تعداد جرایم و دیگر دعاوی بوده است. هر چند بدین دلایل تعداد قاضی فدرال اضافه شده ولی ابعاد سیاسی آن نیز حایز اهمیت است. هرگاه امر توسعه قضائی مطرح می‌گردد فرصت قابل توجهی برای رئیس جمهور پیش می‌آید که قضات دادگاه‌های فدرال را از حزب سیاسی خود برگمارد که مآلاً در اعمال ایدئولوژی وی نقش لازم را ایفا کنند. از سویی دیگر متعاقب استعفا، بازنشستگی و یا فوت قضات باز هم فرصت‌های فوق برای رئیس جمهور پیش می‌آید بویژه آنکه دو دوره انتخاب گردند. در این مقوله متعاقباً بحث خواهد شد.

درباره صلاحیت‌های دادگاه‌های فدرال قبلاً تحریر شد ولی ضروری است نکات دیگری را نیز در این زمینه اشاره کنیم. یکی از صلاحیت‌های حایز اهمیت دادگاه‌های فدرال ناحیه در خصوص اختلافاتی است که اصحاب دعاوی آن در ۲ ایالت مختلف سکونت دارند و خواسته نیز بیش از ۵۰/۰۰۰ دلار باشد که حجم وسیعی از کار دادگاه‌های فوق را اشغال کرده است.

نزدیک به سه چهارم دعاوی دادگاه‌های فدرال ناحیه شامل موضوعات فدرال و همچنین دولت فدرال بعنوان یکی از طرفین دعوی می‌باشد. موارد متعددی در این دو بخش وجود دارد که مشتمل است بر قوانین کیفری فدرال، تجدیدنظر خواهی محکومین جزائی در ایالات و یا زندان‌های فدرال مبتنی بر حقوق بشر یا حقوق اساسی، اختلافات کارگری، بیمه‌های اجتماعی، مغایرت قوانین ایالت با قانون اساسی و غیره.

در سالهای اخیر جرایم فدرال مرتبط با مواد مخدر رشد سریعی داشته و دعاوی دادگاه‌ها نیز بخش قابل توجهی از مبارزه فدرال علیه مواد مخدر را تشکیل داده است. بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ دعاوی دادگاه‌های مزبور از ۱۹۷/۰۰۰ به ۳۱۳/۰۰۰ افزایش پیدا کرده ولی از آن تاریخ تدریجاً تقلیل یافته و به ۲۶۵/۰۰۰ بالغ گشته است.

از سال ۱۹۹۰ میزان دعاوی حقوقی کاهش پیدا کرده و انواع دعاوی کیفری افزایش نشان داده است. بخشی از این برآورد مربوط به تغییر مقررات از ناحیه کنگره بویژه میزان خواسته در دادگاه فدرال که از ۱۰/۰۰۰ دلار به ۵۰/۰۰۰ دلار افزایش پیدا کرده است، همچنین گذراندن قانون مبارزه با مواد مخدر و اضافه کردن قضات و دادستانها قابل ذکر

است. معهذا هنوز هم جرائم مواد مخدر رو به افزایش است و قضات فدرال ناحیه به علت کثرت کار پیشنهاد کرده‌اند که رسیدگی به جرائم مواد مخدر در صلاحیت دادگاه‌های ایالات قرار گیرد.

دادگاه‌های ورشکستگی

در بین دادگاه‌های فدرال ناحیه دادگاه مخصوص ورشکستگی با ۳۵۰ قاضی دایر است که به موضوعات ورشکستگی رسیدگی می‌کند و در دوران رکود سالهای ۱۹۹۰ بیش از ۷۵۰/۰۰۰ مورد ورشکستگی در این دادگاه‌ها مورد دادرسی قرار گرفته است. چنین میزانی دو برابر آمار ۱۹۸۵ گزارش شده است.

ب) دادگاه‌های تجدیدنظر فدرال

دادگاه‌های تجدیدنظر فدرال دادگاه‌های عمده میان مرحله‌ای سیستم فدرال می‌باشند. در آمریکا ۱۲ دادگاه تجدیدنظر منطقه‌ای فدرال Circuit Courts وجود دارد که شامل واشنگتن پایتخت (D.C) نیز می‌باشد (سیزدهمین دادگاه تجدیدنظر فدرال در واشنگتن D.C واقع شده است).

بغیر از واشنگتن D.C هر منطقه متضمن گروهی از ایالات و نیز سرزمین‌ها در بخش معینی از کشور می‌باشد. به طور کلی تعداد قضات دادگاه‌های فوق ۱۷۹ نفر بوده که ۱۱ نفر در ۱۹۹۵ به آن اضافه گردیده است. هر منطقه به تعداد نابرابر ایالت و نیز قاضی را شامل می‌شود. و دعاوی مختلف را می‌پذیرد. به طور مثال منطقه (Circuit) شامل ایالت مین، نیوهمپشایر، ماساچوست، ردآیلند و سرزمین پرتوریکو می‌باشد که دارای ۹۰ قاضی است و سالیانه در حدود ۱۲۰۰ دعوی را تمثیت می‌دهد. نهمین منطقه که وسیعترین است، شامل ۹ ایالت غربی از جمله آلاسکا، هاوایی و سرزمین گوام می‌باشد. این منطقه ۲۸ قاضی دارد و سالیانه در حدود ۷۰۰۰ دعوی را مورد رسیدگی قرار می‌دهد.

نظر به کثرت مستمر دعاوی فشار سیاسی برای افزایش قاضی تشدید می‌شود. برای مثال نهمین منطقه اغلب منطقه کالیفرنیا نامیده می‌شود زیرا نصف دعاوی که به

دادگاه‌های تجدیدنظر فدرال این منطقه واصل می‌گردد از کالیفرنیاست (۳۵۰۰ مورد) و کمتر از ۱۰۰ دعوی از آلاسکا و ایداهو.

مهمترین دعاوی جهت تجدیدنظر خواهی متضمن موارد کیفری و حقوق شهروندان می‌باشد. بخش سنگین کار دادگاه‌های استیناف فدرال را مواردی که دولت یکطرف دعواست تشکیل می‌دهد (در حدود ۱۵ درصد) موضوعات مربوط به قوانین فدرال، مقررات اداری و قانون اساسی ۴۰ درصد حجم کار این دادگاه‌ها را شامل می‌گردد. ضمناً بخشی از دعاوی مربوط است به تفسیر و اجراء قوانین فدرال.

نکته دیگری را نیز ضروری می‌داند روشن نماید که موارد بسیار اندکی از دعاوی به دیوان عالی کشور آمریکا (U.S. Supreme Court) فرستاده می‌شود و عملاً باید دادگاه‌های تجدیدنظر فدرال را آخرین مرحله دادرسی اکثریت قریب به اتفاق دعاوی در سیستم فدرال دانست. برای مثال دیوان عالی فدرال از بین ۵۰۰۰ درخواست تجدیدنظر در سال ۱۹۸۵ فقط به ۱۷۰ مورد رسیدگی کرده است و در سال ۱۹۹۵ نیز از میان ۵۷۰۰ تقاضا منحصرأ ۱۵۰ مورد را برای رسیدگی پذیرفته است.